



مرور نظام‌مند ارتباط ذهنی‌سازی والدین با توسعه تفکر و زبان در کودکان ۰ تا ۸ سال

۱. روش‌نگ خدابخش پیرکلانی: استاد گروه روان‌شناسی دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه الزهراء، تهران، ایران

۲. آمنه پیوندی*: دانشجوی دکتری روان‌شناسی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه الزهراء، تهران، ایران

* ایمیل نویسنده مسئول: amenehpeyvandi1370@gmail.com

چکیده

سال‌های نخست زندگی، دوره‌ای حساس در شکل‌گیری توانایی‌های شناختی و زبانی کودکان است و کیفیت تعاملات والد-کودک نقش تعیین‌کننده‌ای در این فرایند دارد. ذهنی‌سازی والدین به‌عنوان توانایی درک و تفسیر حالات ذهنی خود و کودک، یکی از مهم‌ترین عوامل مؤثر بر کیفیت این تعاملات به‌شمار می‌رود. پژوهش حاضر با هدف مرور نظام‌مند مطالعات مرتبط با ارتباط ذهنی‌سازی والدین و توسعه تفکر و زبان در کودکان صفر تا هشت سال انجام شد. این پژوهش به روش مرور نظام‌مند و بر اساس چارچوب PRISMA انجام شد. مقالات منتشرشده در پایگاه‌های معتبر داخلی و بین‌المللی در بازه زمانی ۲۰۱۶ تا ۲۰۲۵ با استفاده از کلیدواژه‌های مرتبط جست‌وجو شدند. پس از حذف مطالعات تکراری و غربالگری براساس معیارهای ورود و خروج، مطالعات واجد شرایط از نظر ویژگی‌های روش شناختی، جامعه پژوهش، ابزارهای سنجش و یافته‌های اصلی مورد استخراج، ارزیابی و تحلیل قرار گرفتند. نتایج نشان داد که ذهنی‌سازی والدین با رشد زبان، گسترش دامنه واژگان، درک و بیان زبانی، شکل‌گیری تفکر نمادین، نظریه ذهن، کارکردهای اجرایی و سایر ابعاد رشد شناختی کودکان رابطه مثبت و معناداری دارد. شواهد موجود نشان می‌دهد که ذهنی‌سازی والدین یکی از عوامل بنیادین و قابل مداخله در ارتقای رشد شناختی و زبانی کودکان است. از این‌رو، طراحی و اجرای برنامه‌های آموزشی و مداخلات خانواده‌محور با هدف تقویت ظرفیت ذهنی‌سازی والدین می‌تواند نقش مؤثری در بهبود پیامدهای تحولی کودکان و ارتقای سلامت رشدی آنان ایفا کند.

کلیدواژه‌گان: ذهنی‌سازی والدین، کارکرد بازتابی، رشد زبان، توسعه تفکر، کودک، مرور نظام‌مند.



A systematic review of the relationship between parental mentalization and the development of thinking and language in children aged 0 to 8 years.

1. Roshanak Khodabakhsh Pirkalani: Professor, Department of Psychology, Faculty of Educational Sciences and Psychology, Alzahra University, Tehran, Iran
2. Ameneh Peyvandi*: PhD student in Psychology, Faculty of Educational Sciences and Psychology, Alzahra University, Tehran, Iran

*Corresponding Author's Email: amenehpeyvandi1370@gmail.com

Abstract

The first years of life are a sensitive period in the formation of children's cognitive and language abilities, and the quality of parent-child interactions plays a decisive role in this process. Parental mentalization, as the ability to understand and interpret the mental states of oneself and the child, is considered one of the most important factors affecting the quality of these interactions. The present study aimed to systematically review studies related to the relationship between parental mentalization and the development of thinking and language in children aged 0 to 8 years. This study was conducted using a systematic review method and based on the PRISMA framework. Articles published in reputable domestic and international databases between 2016 and 2025 were searched using relevant keywords. After eliminating duplicate studies and screening based on inclusion and exclusion criteria, eligible studies were extracted, evaluated, and analyzed in terms of methodological features, research population, measurement tools, and main findings. The results showed that parental mentalization has a positive and significant relationship with language development, vocabulary expansion, linguistic comprehension and expression, the formation of symbolic thinking, theory of mind, executive functions, and other dimensions of children's cognitive development. Existing evidence shows that parental mentalization is one of the fundamental and interventionable factors in promoting children's cognitive and linguistic development. Therefore, designing and implementing educational programs and family-centered interventions with the aim of strengthening parental mentalization capacity can play an effective role in improving children's developmental outcomes and promoting their developmental health.

Keywords: *Parental Mentalization, Reflective Functioning, Language Development, Thought Development, Child, Systematic Review.*



© 2025 the authors. This is an open access article under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0) License.

مقدمه

دوره کودکی به‌ویژه از بدو تولد تا هشت‌سالگی یکی از حساس‌ترین دوره‌های تحول انسان است زیرا در این بازه زمانی، زیرساخت‌های اساسی رشد شناختی، زبانی، هیجانی و اجتماعی شکل می‌گیرد و بسیاری از توانایی‌های بنیادین کودک در تعامل با محیط پرورش می‌یابد (امین یزدی و همکاران، ۱۴۰۴). در این میان، خانواده و به‌طور خاص والدین، نخستین و اثرگذارترین بستر تحول کودک را فراهم می‌کنند. کیفیت تعاملات اولیه والد-کودک نه تنها بر تنظیم هیجانی و احساس امنیت کودک اثر می‌گذارد بلکه در شکل‌گیری فرایندهای عالی ذهنی از جمله تفکر، بازنمایی نمادین، درک اجتماعی و رشد زبان نیز نقشی تعیین‌کننده دارد. از این منظر، بررسی ویژگی‌های روان‌شناختی والدین که می‌تواند کیفیت این تعاملات را تبیین کند از اهمیت نظری و کاربردی ویژه‌ای برخوردار است (انگلند-ماسون و همکاران، ۲۰۲۳).

یکی از سازه‌های مهمی که در دهه‌های اخیر در تبیین کیفیت روابط والد-کودک مورد توجه قرار گرفته، «ذهنی‌سازی والدین»^۱ است. ذهنی‌سازی به توانایی فرد در درک و تفسیر رفتار خود و دیگران بر حسب حالات ذهنی زیربنایی، نظیر افکار، احساسات، نیات، امیال و باورها اشاره دارد. هنگامی که این ظرفیت در بافت فرزندپروری مورد توجه قرار می‌گیرد، به توانایی والد در فهم رفتار کودک نه صرفاً به‌عنوان پاسخی رفتاری بلکه به‌عنوان بازتابی از تجربه‌های درونی و وضعیت‌های ذهنی او مربوط می‌شود. والدینی که از ظرفیت ذهنی‌سازی بالاتری برخوردارند، معمولاً در تعامل با کودک حساس‌تر، پاسخ‌گوتر و تأمل‌ورزتر عمل می‌کنند و در نتیجه، زمینه مساعدتری برای رشد روان‌شناختی کودک فراهم می‌آورند (هندریانتو^۲، ۲۰۲۳).

از سوی دیگر، رشد تفکر و زبان در سال‌های آغازین زندگی، دو فرایند به‌شدت درهم‌تنیده و متعامل هستند. زبان نه تنها وسیله‌ای برای برقراری ارتباط، بلکه ابزاری بنیادی برای سازمان‌دهی تجربه، شکل‌دهی مفاهیم، حل مسئله، استدلال و بازنمایی ذهنی به شمار می‌رود. در مقابل، رشد توانایی‌های شناختی و تفکر نیز بستر لازم را برای گسترش درک زبانی، تولید گفتار، روایت‌پردازی و فهم معانی پیچیده‌تر فراهم می‌سازد. بنابراین، کیفیت تعاملات والد-کودک و نوع پاسخ‌دهی والدین به حالات ذهنی، هیجانی و ارتباطی کودک می‌تواند نقشی کلیدی در غنای محیط زبانی و شناختی او ایفا کند. در این چارچوب، ذهنی‌سازی والدین می‌تواند به‌عنوان سازوکاری مهم در تبیین تفاوت‌های فردی کودکان در رشد تفکر و زبان مورد توجه قرار گیرد (ویسانی و همکاران، ۱۴۰۴).

اهمیت این موضوع زمانی برجسته‌تر می‌شود که بدانیم سال‌های نخست کودکی، دوره‌ای حیاتی برای رشد کارکردهای اجرایی، شکل‌گیری تفکر نمادین، تحول نظریه ذهن، گسترش واژگان و تثبیت الگوهای ارتباطی است. در چنین دوره‌ای، والدینی که قادرند حالات ذهنی کودک را تشخیص دهند، به آن‌ها معنا ببخشند و در تعاملات روزمره بازتاب دهند، احتمالاً فرصت‌های بیشتری برای گفت‌وگوی غنی، نام‌گذاری هیجان‌ها، تبیین علی‌رودادها، گسترش روایت و تقویت درک متقابل فراهم می‌کنند. این نوع تعاملات می‌تواند به ارتقای ظرفیت‌های زبانی و شناختی کودک منجر شود و مسیر تحول او را در ابعاد مختلف تحت تأثیر قرار دهد (امینی و همکاران، ۲۰۲۵). از این رو، مطالعه ارتباط میان ذهنی‌سازی والدین و رشد تفکر و زبان کودکان، نه تنها از حیث غنای نظری، بلکه از منظر مداخلات تربیتی، بالینی و آموزشی نیز واجد اهمیت است.

با وجود رشد ادبیات پژوهشی در حوزه ذهنی‌سازی والدین، شواهد موجود درباره ارتباط این سازه با توسعه تفکر و زبان در کودکان ۰ تا ۸ سال، همچنان پراکنده، ناهمگون و نیازمند جمع‌بندی انتقادی است. بخشی از مطالعات، رابطه مثبت میان ذهنی‌سازی والدین و پیامدهایی همچون گسترش

¹ England-Mason et al

² Parental mentalization

³ Handrianto

⁴ Amini et al

مهارت‌های زبانی، رشد شناخت اجتماعی، بهبود کارکردهای نمادین و تقویت توانایی‌های ذهن‌خوانی در کودک را گزارش کرده‌اند در حالی که برخی دیگر بر نقش متغیرهای میانجی و تعدیل گر، نظیر سطح تحصیلات والدین، وضعیت روان‌شناختی آنان، کیفیت دلبستگی، شرایط اجتماعی-اقتصادی، و بستر فرهنگی تأکید کرده‌اند. این ناهمگونی در یافته‌ها، ضرورت انجام مطالعه‌ای مروری و نظام‌مند را دوجندان می‌سازد تا از رهگذر آن، شواهد موجود به‌صورت منظم، دقیق و مبتنی بر معیارهای علمی بررسی و یکپارچه شوند.

بر این اساس، هدف پژوهش حاضر، انجام یک مرور نظام‌مند درباره ارتباط ذهنی‌سازی والدین با توسعه تفکر و زبان در کودکان ۰ تا ۸ سال است تا ضمن شناسایی، طبقه‌بندی و تحلیل یافته‌های پژوهش‌های پیشین، تصویری روشن از وضعیت دانش موجود در این حوزه ارائه شود. نوآوری پژوهش حاضر در آن است که با تمرکز هم‌زمان بر دو حوزه اساسی تحول کودک، یعنی تفکر و زبان، و با تأکید بر نقش ذهنی‌سازی والدین به‌عنوان یک سازه ارتباطی-تحولی، تلاش می‌کند شکاف موجود در ادبیات پژوهشی را پوشش دهد و چارچوبی منسجم برای فهم بهتر این روابط فراهم آورد. همچنین، این مطالعه می‌تواند با آشکار ساختن خلأهای دانشی، مسیر پژوهش‌های آینده و طراحی مداخلات مبتنی بر خانواده را تسهیل کند. در ادامه، مقاله حاضر به بررسی مبانی نظری، تبیین روش تحقیق در قالب مرور نظام‌مند، ارائه یافته‌ها و در نهایت بحث، نتیجه‌گیری و دلالت‌های پژوهش خواهد پرداخت.

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

سال‌های نخست زندگی، به‌ویژه از تولد تا هشت‌سالگی، دوره‌ای حساس در شکل‌گیری بنیان‌های شناختی، زبانی، هیجانی و اجتماعی کودک محسوب می‌شود. در این دوره، کیفیت تعاملات والد-کودک نه تنها بر پیامدهای هیجانی و دلبستگی، بلکه بر تحول کارکردهای شناختی عالی، رشد زبان و توانایی فهم حالات ذهنی دیگران نیز تأثیر تعیین‌کننده‌ای دارد. در دهه‌های اخیر، مفهوم ذهنی‌سازی والدین به‌عنوان یکی از مهم‌ترین سازه‌های تبیین‌کننده کیفیت این تعاملات مورد توجه گسترده پژوهشگران قرار گرفته است. این سازه با تمرکز بر ظرفیت والد در درک و تفسیر رفتار کودک بر اساس حالات ذهنی زیربنایی، چارچوبی نظری برای تبیین سازوکارهای انتقال تجربه‌های رابطه‌ای به پیامدهای تحولی کودک فراهم می‌آورد. از آنجا که ذهنی‌سازی والدین در تقاطع نظریه‌های دلبستگی، نظریه ذهن، تنظیم هیجان و یادگیری اجتماعی قرار می‌گیرد، تبیین مبانی نظری آن می‌تواند درک عمیق‌تری از مسیرهای اثرگذاری این سازه بر رشد زبان و تفکر کودکان فراهم سازد. از این رو، در این بخش ابتدا مفهوم ذهنی‌سازی والدین و ابعاد آن، سپس مهم‌ترین چارچوب‌های نظری مرتبط و در ادامه شواهد موجود درباره ارتباط آن با رشد زبان و تفکر در کودکان مرور می‌شود.

ذهنی‌سازی والدین

ذهنی‌سازی والدین به ظرفیت شناختی-عاطفی والد برای درک و تفسیر رفتار کودک بر اساس حالت‌های ذهنی زیربنایی، از قبیل نیازها، نیت، باورها و هیجان‌ها اطلاق می‌گردد؛ فرآیندی که در آن والد فراتر از مشاهده‌گر صرف کنش‌های رفتاری، به‌مثابه مفسری فعال عمل می‌کند که پیوند میان رفتار مشهود و جهان درونی کودک را جست‌وجو می‌نماید. این مفهوم که بر توانایی «نگه‌داشتن ذهن کودک در ذهن والد» استوار است، ماهیتی پویا، رابطه‌محور و بین‌الذهانی دارد و در بستر تعاملات روزمره شکل می‌گیرد. از منظر تحولی، ذهنی‌سازی والدین پیش‌شرطی اساسی برای رشد شناخت اجتماعی کودک محسوب می‌شود؛ چراکه والد با بازتاب دقیق حالات درونی کودک، بستری برای تنظیم هیجان و شکل‌گیری

دلبستگی امن فراهم می‌آورد و از این طریق، مسیر توسعه تئوری ذهن و ارتقای مهارت‌های زبانی و تفکر انتزاعی را در او هموار می‌سازد (اسلده^۱، ۲۰۰۵).

نظریه دلبستگی^۲ به عنوان اصلی ترین و بنیادین ترین چارچوب نظری برای درک سازه ذهنی سازی والدین، نقشی محوری در تبیین پویایی های رابطه والد-کودک ایفا می کند. در این چارچوب، ظرفیت ذهنی ساز والد به عنوان یک پیش شرط حیاتی برای شکل گیری دلبستگی ایمن تلقی می شود؛ به این معنا که والد حساس و ذهنی ساز، با درک نیازها و حالات درونی کودک، تجربه ای از «فهمیده شدن» و «قابل پیش بینی بودن» در رابطه را برای او فراهم می آورد. این تجربه، بستر اصلی برای ایجاد احساس امنیت درونی کودک است. مرور گسترده بر ۴۷ مطالعه مستقل نشان می دهد که کارکرد بازتابی بالا در والدین، مستقیماً با مراقبت های پاسخگو و امنیت دلبستگی در کودک همبسته است. در مقابل، سطوح پایین کارکرد بازتابی با طیف وسیعی از پیامدهای نامطلوب در کودک، از جمله مشکلات هیجانی، اختلال در تنظیم هیجان و رفتارهای برون سازی شده^۳ همراه است (کامواریانو^۴، ۲۰۱۷). علاوه بر این، یافته های مطالعات طولی از جمله پژوهش، نشان می دهد که ذهنی سازی والد، از طریق میانجی گری کیفیت فرزندپروری و کاهش رفتارهای منفی، به شکلی سیستماتیک با امنیت هیجانی و کیفیت دلبستگی کودک پیوند می خورد. بدین ترتیب، ذهنی سازی نه تنها یک فرآیند شناختی، بلکه موتور محرک اصلی برای حفظ ثبات هیجانی و امنیت رابطه ای در طول دوره تحول است (انسینک و همکاران^۵، ۲۰۱۶).

در نظریه ذهنی سازی و اعتماد معرفتی^۶ ذهنی سازی والدین فراتر از یک مهارت ساده در مدیریت روابط بین فردی، به عنوان زیربنای حیاتی رشد اجتماعی و سازوکار اصلی یادگیری در کودک قلمداد می شود. یکی از مفاهیم کلیدی و بنیادین در این رویکرد، «اعتماد معرفتی» است؛ این مفهوم به توانایی و تمایل کودک برای پذیرش پیام های اجتماعی دریافتی از سوی دیگران (به ویژه والد) و استفاده از آن ها به عنوان منابع معتبر برای یادگیری و شناخت جهان اطلاق می گردد. توجه هشیارانه والد به حالت های ذهنی درونی کودک، بستری را فراهم می آورد که در آن، تعاملات اجتماعی از حالت صرفاً هیجانی خارج شده و به فرصت هایی برای انتقال دانش تبدیل می شوند (لوتین و همکاران^۷، ۲۰۱۷). در این چارچوب دینامیک، کودک از طریق تعامل با والدی که دارای ظرفیت ذهنی سازی بالاست، نه تنها مهارت های تنظیم هیجان را فرا می گیرد، بلکه می آموزد که نشانه های رفتاری، واژگان و قصدهای اجتماعی را به عنوان اطلاعات معنادار و قابل اتکا پردازش کند (فوناگی و همکاران^۸، ۲۰۱۸). بدین ترتیب، اعتماد معرفتی که توسط ذهنی سازی والد تقویت می شود، به عنوان یک واسطه، امکان تبدیل تجربیات زیسته به ساختارهای شناختی و زبانی پایدار را در کودک فراهم می سازد.

کارکرد بازتابی والدین^۹

در ادبیات پژوهشی و به منظور عملیاتی سازی مفهوم انتزاعی ذهنی سازی، سازه کارکرد بازتابی والدین به عنوان یک مدل دقیق تر و سنجش پذیر مورد توجه قرار می گیرد. این سازه فراتر از درک ساده از حالات درونی کودک، بر ظرفیت والد برای تصور کودک به عنوان موجودی دارای ذهن و توانایی تفسیر پیچیدگی های روانی او استوار است. ویژگی متمایز کارکرد بازتابی، تاکید بر «خودآگاهی بازتابی» است؛ به این معنا که والد

¹ Slade

² Attachment Theory

³ Externalizing behaviors

⁴ Camoirano

⁵ Ensink et al

⁶ Mentalization and Epistemic Trust

⁷ Luyten et al

⁸ Fonagy et al

⁹ Parental Reflective Functioning

نه تنها به ذهن کودک، بلکه به ذهن خود و نحوه اثرگذاری حالات ذهنی خویش بر کیفیت رابطه با کودک نیز می‌اندیشد. این فرآیند دوطرفه، والد را قادر می‌سازد تا میان محرک‌های محیطی و پاسخ‌های هیجانی خود، تمایز قائل شده و از واکنش‌های خودکار جلوگیری کند. از این منظر، کارکرد بازتابی در پیوند تنگاتنگ با فرآیندهای حیاتی نظیر رشد دلبستگی امن، تنظیم هیجان و توسعه توانایی‌های ذهنی‌سازی در کودک، یکی از مفاهیم محوری در تبیین پویایی‌های رابطه والد-کودک محسوب می‌شود. اگرچه کارکرد بازتابی یک چارچوب تجربی و کارآمد برای سنجش ذهنی‌سازی فراهم می‌آورد، اما همچنان در مقام ابزار سنجش، با محدودیت‌های روش شناختی خاص خود روبه‌رو است که نیازمند ملاحظات دقیق در پژوهش‌های آینده می‌باشد. با این حال، تبیین این سازه برای درک چگونگی انتقال مهارت‌های شناختی و زبانی از والد به کودک، ضرورتی انکارناپذیر دارد (لوتین و همکاران، ۲۰۱۷).

ذهن‌مندی^۲

ذهن‌مندی والدین به گرایش و تمایل والد برای ادراک کودک به عنوان فردی دارای یک ساختار ذهنی مستقل و توانایی تجلی این درک در قالب «اشاره‌های ذهنی» یا نظرات مرتبط با ذهن اطلاق می‌گردد. در تعاملات روزمره، والد ذهن‌مند با استفاده از این ابزار زبانی، به حالت‌های درونی کودک از جمله هیجان‌ها، نیت‌ها و باورها نام‌گذاری کرده و آن‌ها را به زبان می‌آورد؛ برای نمونه، والد با استفاده از عباراتی نظیر «تو الان کنجکاو هستی» یا «به نظر می‌رسد از این اتفاق ناراحت شدی»، به کودک کمک می‌کند تا تجربیات درونی خود را معنا کند. با وجود نزدیکی مفهومی، در مرور انتقادی، ذهن‌مندی در کنار «کارکرد بازتابی» و «بینش»^۳ به عنوان یکی از سه سازه اصلی ذهنی‌سازی والدین معرفی شده است؛ هرچند که میزان هم‌پوشانی و تمایز دقیق میان این سه مفهوم، همچنان یکی از مباحث چالش‌برانگیز و مورد بحث در ادبیات نظری است. با این حال، اهمیت عملیاتی ذهن‌مندی در ابعاد تحولی کودک به وضوح قابل مشاهده است (مدریا و بنگا،^۴ ۲۰۲۱). ذهن‌مندی والد بیشترین میزان همبستگی را با کارکردهای اجرایی، مهارت‌های زبانی و شناخت اجتماعی کودک دارد؛ به‌ویژه زمانی که این سازه در سال‌های اولیه زندگی (دوره نوپایی) سنجیده شود، می‌تواند به عنوان یک پیش‌بین قدرتمند برای کیفیت توسعه شناختی و زبانی کودک عمل نماید (آلدریچ و همکاران،^۵ ۲۰۲۱).

بینش‌مندی والدین^۶

بینش‌مندی والدین به توانایی والد برای ادراک الگوهای رفتاری کودک از منظری فراتر از واکنش‌های لحظه‌ای و گذرا و از منظر درونی، پایدار و معنایی اشاره دارد؛ به این معنا که والد به جای تمرکز بر رفتارهای ظاهری و تک‌بعدی، می‌کوشد پیوند میان رفتار و ساختارهای درونی کودک را درک کند (شارپ و فونگی،^۷ ۲۰۰۸). این سازه را در کنار دو مفهوم پیشین، بخشی از ظرفیت کلی والد برای ایفای نقش «عامل روان‌شناختی دانستن کودک»^۸ است که از طریق آن، کودک به عنوان موجودی دارای معنا و هدف شناخته می‌شود. با این حال، در مرور انتقادی علی‌رغم معرفی بینش‌مندی به عنوان یکی از سه صورت‌بندی اصلی ذهنی‌سازی، تأکید شده است که نسبت دقیق آن با کارکرد بازتابی و ذهن‌مندی همچنان از نظر نظری و عملیاتی به طور کامل تثبیت نشده است (مدریا و بنگا،^۹ ۲۰۲۱). از این رو، در تحلیل‌های نظری، بهتر است بینش‌مندی نه به عنوان یک

¹ Luyten et al

² Mind-mindedness

³ Insightfulness

⁴ Medrea & Benga

⁵ Aldrich et al

⁶ Parental Insightfulness

⁷ Sharp & Fonagy

⁸ Psychological Agent of Knowing

⁹ Medrea & Benga

معادل ساده، بلکه به عنوان یک سازه متمایز، نزدیک و مکمل در نظر گرفته شود که بر توانایی والد در جمع اطلاعات پراکنده رفتاری برای رسیدن به یک درک کلی و عمیق از جهان درونی کودک استوار است.

رشد زبان

رشد زبانی یکی از کلیدی‌ترین و مستدل‌ترین پیامدهای تحولی در ادبیات پژوهشی مرتبط با ذهنی‌سازی محسوب می‌شود؛ به طوری که این فرآیند فراتر از یک مهارت صرف، بازتابی از کیفیت تعاملات اجتماعی-ذهنی است. ارتباط میان ذهنی‌سازی والد و توانمندی‌های زبانی کودک، در مقایسه با سایر حوزه‌های رشدی، از برجستگی و قدرت پیش‌بینی بالاتری برخوردار است (آلدریچ و همکاران، ۲۰۲۱). این پیوند عمیق در ظرفیت ذهنی‌سازی مادر در دوران نوزادی، از طریق یک زنجیره پیچیده از متغیرهای میانجی، مسیر رشد واژگان و آمادگی شناختی کودک را در سال‌های بعد تعیین می‌کند (برنیر و همکاران، ۲۰۱۷). علاوه بر این «ذهنی‌سازی تجسم‌یافته‌ی والد در دوران نوزادی از اهمیت بالایی برخوردار است که این سازه می‌تواند رشد زبان کودک را در ۱۲ ماه پس از آن به شکلی معنادار پیش‌بینی کند (شای و همکاران، ۲۰۲۲). مجموع این شواهد تجربی تأکید می‌کند که رشد زبان در کودک، نه صرفاً در قالب فرآیند مکانیکی آموزش واژگان، بلکه در بستر غنی تعاملات «ذهن‌ساز» شکل می‌گیرد؛ جایی که نام‌گذاری هیجان‌ها، معنابخشی به حالات درونی و انجام گفت‌وگوهای تعاملی معنادار، زیربنای ساختارهای زبانی و شناختی را بنا می‌نهد.

رشد تفکر و کارکردهای شناختی

طیف تأثیرات ذهنی‌سازی والدین فراتر از قلمرو زبان و فراتر از صرف یادگیری واژگان گسترش می‌یابد و با توسعه‌ی زیرساخت‌های تفکر، کارکردهای اجرایی و سایر ابعاد عالی شناختی در کودک پیوندی عمیق دارد. در این راستا، ظرفیت ذهنی‌سازی والد با کارکردهای اجرایی و شناخت اجتماعی در کودک همبستگی معناداری دارد (آلدریچ و همکاران، ۲۰۲۱). این ارتباط را می‌توان نیز با دقت بیشتری تبیین کرد؛ «کارکرد بازتابی» مادر با توانمندی‌های درک کلامی و شاخص‌های کلیدی حافظه کاری در کودکان پیش‌دبستانی مرتبط است (کومانچوک و همکاران، ۲۰۲۲). مجموع این شواهد بر این استدلال صحنه می‌گذارند که والد ذهنی‌ساز، از طریق فراهم آوردن بستری برای گفت‌وگوهای معنادار و ایجاد بازتابی‌های ذهنی از حالات درونی کودک، به طور مستقیم بر فرآیندهای بنیادین شناختی اثر می‌گذارد. در واقع، این تعاملات نه تنها به تقویت توجه و حافظه کاری کمک می‌کنند، بلکه زیربنای لازم برای مهارت‌های پیچیده‌تری نظیر حل مسئله و سازمان‌دهی ساختاریافته‌ی تفکر را در طول دوره تحول فراهم می‌سازند (آلدریچ و همکاران، ۲۰۲۱؛ کومانچوک و همکاران، ۲۰۲۲).

مرور مبانی نظری و شواهد تجربی نشان می‌دهد که ذهنی‌سازی والدین، از طریق مؤلفه‌هایی مانند کارکرد بازتابی، ذهن‌مندی و بینش‌مندی، یکی از مهم‌ترین سازوکارهای رابطه‌ای مؤثر بر تحول شناختی و زبانی کودک در سال‌های اولیه زندگی محسوب می‌شود. در بازه ۰ تا ۸ سال، ذهنی‌سازی والدین را می‌توان یک سازه رابطه‌ای-رشدی دانست که از یک سو در نظریه دلبستگی، حساسیت والدگری و تنظیم هیجان ریشه دارد و از سوی دیگر با نظریه ذهن، اعتماد معرفتی، زبان و رشد شناختی پیوند می‌خورد. کارکرد بازتابی والدین با کیفیت والدگری رابطه مثبت دارد، اما اندازه این روابط اغلب کوچک و وابسته به بافت است (استورمن و همکاران، ۲۰۲۲؛ مدریا و بنگا، ۲۰۲۱). با وجود این، ادبیات موجود عمدتاً هر یک از ابعاد ذهنی‌سازی یا پیامدهای تحولی آن را به صورت جداگانه بررسی کرده است و هنوز درباره میزان هم‌پوشانی مفهومی سازه‌های مختلف

¹ Aldrich et al

² Bernier et al

³ Shai et al

⁴ Aldrich et al

⁵ Komanchuk et al

⁶ Stuhmann et al

⁷ Medrea & Benga

ذهنی سازی، مسیرهای اثرگذاری آن بر رشد زبان و تفکر و تفاوت این روابط در دوره های مختلف تحول، اجماع روشنی وجود ندارد. از این رو، انجام یک مرور نظام مند که یافته های پژوهش های انجام شده درباره ارتباط ذهنی سازی والدین با توسعه تفکر و زبان در کودکان صفر تا هشت سال را به صورت یکپارچه گردآوری، مقایسه و تحلیل کند، می تواند ضمن تبیین وضعیت کنونی دانش، شکاف های موجود را آشکار ساخته و جهت گیری های پژوهشی و کاربردی آینده را مشخص سازد.

روشناسی

پژوهش حاضر با هدف اصلی شناسایی و تبیین نظام مند شواهد پژوهشی موجود درباره ی رابطه ی ذهنی سازی والدین با توسعه تفکر و زبان در کودکان ۰ تا ۸ سال، با رویکرد تجمیع دستاوردهای پژوهشی پیشین انجام شده است؛ بنابراین روش پژوهش حاضر از نظر هدف، کاربردی و از حیث ماهیت، مرور سیستماتیک^۱ است. مرور سیستماتیک مروری است که از روش های صریح و منظم برای گردآوری و تلفیق یافته های پژوهش هایی استفاده می کند که به یک پرسش به وضوح فرمول بندی شده پاسخ می دهند (پیچ و همکاران، ۲۰۲۱).

ابزار گردآوری اطلاعات به صورت جست و جوی نظام مند در پایگاه های علمی معتبر و مطالعات کتابخانه ای ادبیات پژوهشی پیشین، با پیروی از دستورالعمل PRISMA نسخه ۲۰۲۰ انتخاب شده است. دلیل انتخاب مرور نظام مند آن است که این روش، برخلاف مرورهای روایی سنتی، فرایند جست و جو، غربالگری، ارزیابی کیفیت و تلفیق شواهد را به صورت شفاف، قابل بازتولید و بدون سوگیری انتخابی طی می کند و از این طریق، تصویری معتبر و قابل استناد از وضعیت دانش موجود درباره ی رابطه ی ذهنی سازی والدینی با پیامدهای شناختی و زبانی کودک به دست می دهد (پیچ و همکاران، ۲۰۲۱).

جامعه پژوهش حاضر شامل کلیه ی مطالعات (مقالات علمی، پایان نامه ها و رساله های دارای داوری) است که به بررسی ارتباط ذهنی سازی والدین و ارتباط آن با تحول شناختی و زبانی کودکان پرداخته اند. روش نمونه گیری به صورت هدفمند و بر اساس معیارهای ورود و خروج مبتنی بر دستورالعمل PRISMA انتخاب شد که در ادامه ارائه می شود.

استراتژی جست و جو

اطلاعات مورد نیاز با جست و جوی کلیدواژه های جدول ۱-۱ صورت گرفت.

جدول ۱-۱- کلیدواژه های لاتین

parental mentalization	parental reflective functioning
mind-mindedness	maternal sensitivity and mentalizing
reflective functioning AND child language development	parental mentalizing AND theory of mind
cognitive development	parental mind-mindedness

¹ Systematic Review

² Page

در پایگاه‌های علمی گوگل اسکالر^۱، پامبد^۲، سیج^۳، سمیتیک اسکالر^۴، تیلور و فرانسیس^۵ جست‌وجو شد. بازهی زمانی جست‌وجو، مقالات منتشرشده بین سال‌های ۲۰۱۶ تا ۲۰۲۵ بود؛ با توجه به گسترش چشمگیر پژوهش‌های طولی و عصب‌روانشناختی در این حوزه پس از معرفی ابزارهای سنجش استاندارد (نظیر پرسش‌نامه‌ی کارکرد بازتابی والدینی)، بازه ده سال‌های اخیر برای اتکای بهتر یافته‌ها به شواهد به‌روز انتخاب شد. برای اطمینان از اعتبار علمی مقالات بررسی‌شده، مقالات خارجی از مجلاتی انتخاب شدند که در حیطه‌ی روان‌شناسی تحولی، رشد کودک نمایه‌شده و دارای رتبه‌ی JCR یا Scopus با درجه‌ی کیفی Q1 یا Q2 بودند. منابع داخلی نیز از مجلات دارای درجه‌ی علمی-پژوهشی و علمی-ترویجی، کنفرانسی مورد تأیید وزارت علوم، تحقیقات و فناوری انتخاب شدند.

معیارهای ورود: مطالعات کمی، کیفی یا آمیخته با طراحی همبستگی، طولی، فراتحلیل‌ها و مرورهای سیستماتیک، مداخله‌ای یا مقطعی که رابطه ذهنی‌سازی، کارکرد بازتابی، ذهن آگاهی والدین را با حداقل یک پیامد شناختی یا زبانی در کودکان ۰ تا ۸ سال بررسی کرده باشند؛ حداقل یکی از پیامدهای زیر گزارش شده باشد: رشد زبان (واژگان، نحو، کاربردشناسی)، نظریه‌ی ذهن، کارکردهای اجرایی، یا آمادگی شناختی برای مدرسه؛ کودکان سالم در بازه‌ی سنی ۰ تا ۸ سال (بدون تشخیص اختلال رشدی شناخته‌شده)؛

معیارهای خروج: مقالات ارائه‌شده صرفاً در همایش‌ها و کنفرانس‌ها بدون داوری کامل؛ مطالعاتی که ذهنی‌سازی را صرفاً در جمعیت بزرگسال یا بالینی و بدون ارتباط با کودک بررسی کرده بودند؛ مطالعاتی که صرفاً به بررسی حساسیت رفتاری کلی والدینی پرداختند بدون سنجش مشخص سازی ذهنی‌سازی، چکیده همایش‌ها بدون متن کامل در دسترس، مطالعاتی که رابطه را در جهت معکوس بررسی می‌کنند (یعنی تأثیر کودک بر ذهنی‌سازی والد) بدون بررسی مسیر پیش‌بینی‌کننده به سمت رشد کودک.

فرایند غربالگری و انتخاب مطالعات: برای بررسی مقالات یافت‌شده، ابتدا عناوین، سپس چکیده‌ها و در نهایت متن کامل مقالات مطالعه شد که در ادامه در تصویر ۱-۱ گزارش کار داده می‌شود لیبراتی^۶ و همکاران (۲۰۰۹).

در مجموع، ۴۳ مقاله خارجی مرتبط با ذهنی‌سازی والدین و تحول تفکر و زبان کودک شناسایی شد که پس از حذف موارد تکراری و اعمال معیارهای ورود و خروج، نهایتاً ۲۰ مقاله برای تحلیل نهایی باقی ماند. پس از مطالعه دقیق، مقالات نهایی، اطلاعات موردنیاز شامل نام نویسندگان، سال انتشار، کشور محل انجام پژوهش، حجم و دامنه سنی نمونه، طرح پژوهشی، ابزار سنجش ذهنی‌سازی والدینی، ابزار سنجش پیامد شناختی/زبانی، یافته‌های کلیدی و اندازه اثر استخراج شد.

روش تلفیق و تحلیل یافته‌ها

با توجه به تعداد کم مطالعات انجام شده، امکان انجام متاآنالیز آماری فراهم نبود؛ از این رو، از روش تلفیق روایی^۷ برای جمع‌بندی یافته‌ها استفاده شد (لیبراتی^۸ و همکاران، ۲۰۰۹: ۳۷۸-۳۷۹). یافته‌ها بر اساس سازه‌های مفهومی اصلی (نظریه ذهن، واژگان دریافتی/بیانی، نحو، کارکرد اجرایی) دسته‌بندی و الگوهای همسو و ناهمسو میان مطالعات مقایسه و در جداول طبقه‌بندی‌شده گزارش شدند.

ملاحظات اخلاقی

¹ Google Scholar

² PubMed

³ SAGE

⁴ Semantic Scholar

⁵ Taylor & Francis Online

⁶ maternal sensitivity

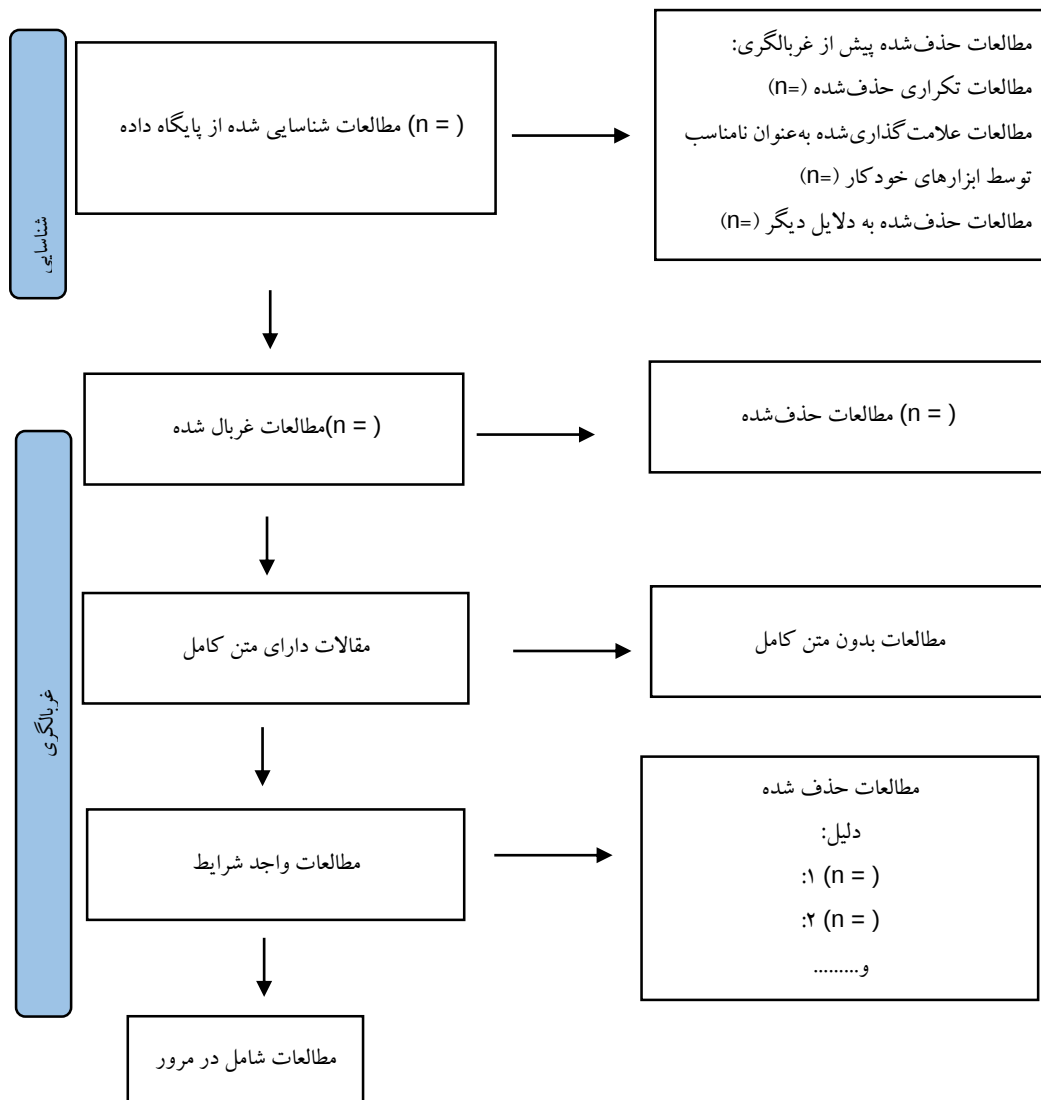
⁷ Liberati

⁸ Narrative Synthesis

⁹ Liberati

از آنجا که این پژوهش از نوع مرور نظام‌مند بر روی داده‌های ثانویه و منتشر شده است، نیازی به اخذ رضایت آگاهانه یا مجوز مستقیم کمیته اخلاق نبود؛ با این حال، در سراسر گزارش‌دهی یافته‌ها، اصول امانت‌داری علمی و ارجاع‌دهی صحیح به منابع اصلی رعایت شد.

شناسایی مطالعات از طریق پایگاه‌های



تصویر ۱-۱- فرایند مرور سیستماتیک منبع (هال و همکاران، ۲۰۲۰)

یافته‌ها

در مجموع، ۲۰ مقاله واجد شرایط که معیارهای ورود این مرور نظام‌مند را برآورده می‌کردند، شامل فراتحلیل‌ها، مرورهای نظام‌مند/روایی، مطالعات طولی، و مطالعات مقطعی/همبستگی منتشر شده در بازه سال‌های ۲۰۱۶ تا ۲۰۲۵ شناسایی و وارد تحلیل شدند. پیش از ورود به یافته‌های اختصاصی هر مطالعه، مقالات بر اساس نوع پیامد تحولی اندازه‌گیری شده در کودک طبقه‌بندی شدند تا مشخص شود ذهنی‌سازی والدین در ادبیات موجود

بیشتر با کدام یک از دو مؤلفه اصلی این پژوهش یعنی تفکر (به طور مشخص نظریه ذهن و درک باور کاذب) یا زبان (عمدتاً زبان بیانی و واژگان) مورد بررسی قرار گرفته است. علاوه بر این، مطالعاتی که پیامد اصلی شان متغیرهای دیگری مانند دلبستگی، تنظیم هیجانی، مشکلات رفتاری، یا کیفیت رفتار والدینی بود نیز شناسایی و در دسته ای جداگانه با عنوان «غیرمستقیم» قرار گرفتند، چرا که این مطالعات هر چند به طور تلویحی به پیوند ذهنی سازی با شناخت/زبان کودک اشاره دارند، اما این پیوند را به طور مستقیم نسنجیده اند. جدول ۱ نتیجه این طبقه بندی را نشان می دهد.

جدول ۱: توزیع مقالات منتشر شده بر اساس تاثیر بر متغیرهای پژوهش

دسته	تعداد مقالات	درصد کل
مستقیم بر روی تفکر	۶	۳۰٪
مستقیم بر روی زبان	۴	۲۰٪
هر دو (تفکر+زبان)	۴	۲۰٪
غیر مستقیم	۶	۳۰٪

جدول ۲ توزیع زمانی ۲۰ مقاله وارد شده در مرور نظام مند را بر اساس سال انتشار نشان می دهد، در بازه ای که معیار ورود مقاله شما (سال های ۲۰۱۶ تا ۲۰۲۵) را پوشش می دهد.

جدول ۲: توزیع مقالات منتشر شده بر اساس بازه زمانی

بازه زمانی	تعداد مقالات	درصد از کل
۲۰۱۶-۲۰۱۹	۱۰	۵۰٪
۲۰۲۰-۲۰۲۲	۵	۲۵٪
۲۰۲۳-۲۰۲۵	۵	۲۵٪

باتوجه به جدول ۳، در مجموع، از میان ۲۰ مقاله وارد شده در این مرور نظام مند، ۱۴ مقاله (۷۰٪) از نوع مطالعات کمی مشاهده ای، همبستگی، یا طولی بودند، ۳ مقاله (۱۵٪) فراتحلیل، و ۳ مقاله (۱۵٪) مرور نظام مند یا روایی بودند؛ در مقابل، هیچ یک از مقالات از طراحی کیفی خالص یا آزمایشی/نیمه آزمایشی با دستکاری متغیر مستقل بهره نبرده اند. این توزیع نشان می دهد که شواهد موجود در این حوزه عمدتاً بر پایه رابطه همبستگی یا پیش بینی طولی استوار است و نه رابطه علی اثبات شده، که خود یک محدودیت شناخته شده در ادبیات ذهنی سازی والدین محسوب می شود و ضرورت انجام مطالعات مداخله ای را در پژوهش های آینده برجسته می سازد.

جدول ۳: توزیع مقالات منتشر شده بر اساس روش تحقیق

نوع روش	تعداد مقالات	درصد از کل
کمی (مشاهده ای، همبستگی و طولی)	۱۴	۷۰٪
فراتحلیل	۳	۱۵٪
مرور نظام مند	۳	۱۵٪

بررسی توزیع سنی (جدول ۴) مطالعات نشان می دهد که نیمی از مقالات (۱۰ مورد از ۲۰) بر بازه نوپایی تا پیش دبستانی، یعنی سنین ۱ تا ۶ سالگی، متمرکزند، در حالی که تنها یک مطالعه به طور مستقل دوره شیرخوارگی صرف (زیر ۱۲ ماهگی) را پوشش داده و هیچ یک از مقالات به طور اختصاصی سنین ۷ تا ۸ سالگی، یعنی انتهای بازه هدف این مرور نظام مند، را بررسی نکرده اند؛ نزدیک ترین مطالعه در این زمینه نیز محدود به سن ۶ سالگی است. این عدم توازن سنی، به ویژه فقدان شواهد در دو انتهای طیف (شیرخوارگی محض و اواخر دوره دبستان)، یک محدودیت شناخته شده

در ادبیات ذهنی سازی والدین است. در مقابل، ۷ مقاله از نوع چند دوره‌ای بودند که شامل مطالعات طولی چندموجی و همچنین مرورها و فراتحلیل‌هایی می‌شوند که به‌طور ذاتی طیف سنی گسترده‌ای از مطالعات اولیه را در بر می‌گیرند؛ ارزش این دسته از مطالعات نه در تمرکز بر یک دوره سنی مشخص، بلکه در نشان دادن تداوم اثر ذهنی سازی والدین در طول زمان است.

جدول ۴: توزیع مقالات منتشر شده بر اساس بازه سنی و دوره تحولی کودک

دوره تحولی	تعداد مقالات	درصد از کل
نوزادی (۰-۱۲ ماهگی)	۱	۵٪
نوپایی (۱-۳ سالگی)	۵	۲۵٪
پیش دبستانی (۳-۶ سالگی)	۵	۲۵٪
آغاز دبستان (۶-۸ سالگی)	۲	۱۰٪
چند دوره‌ای (طولی گسترده)	۷	۳۵٪

در میان ۱۱ مقاله‌ای که رابطه ذهنی سازی والدین را با تفکر کودک بررسی کرده‌اند، هیچ‌یک به رابطه خنثی یا فاقد معناداری آماری اشاره نکرده و تمامی مطالعات، هرچند با شدت‌های متفاوت (از رابطه قوی و مستقیم در پنج مقاله تا اثرات کوچک، غیرمستقیم، یا حاشیه‌ای در شش مقاله دیگر)، در جهت مثبت گزارش شده‌اند؛ این یکدستی جهت یافته‌ها، تفکر را به‌عنوان پیامدی با شواهد نسبتاً همگرا و قابل اتکا در ادبیات ذهنی سازی والدین معرفی می‌کند. در مقابل، از میان ۹ مقاله‌ای که رابطه ذهنی سازی والدین را با زبان کودک بررسی کرده‌اند، در حالی که ۴ مقاله رابطه‌ای مثبت و قوی و ۲ مقاله رابطه‌ای مثبت اما مشروط (به سازه متفاوت یا ناهمگونی روش شناختی) گزارش کرده‌اند، ۳ مقاله هیچ رابطه معناداری بین ذهنی سازی والدین و رشد زبانی کودک نیافتند؛ نکته جالب توجه آن است که یکی از این سه یافته خنثی (لنگوباردی و همکاران، ۲۰۲۲) از همان گروه پژوهشی است که در مطالعه دیگرشان (۲۰۱۸) رابطه‌ای مثبت گزارش کرده بودند، که خود نشان‌دهنده حساسیت این رابطه به بافت اندازه‌گیری (بازی آزاد در برابر وعده غذایی) است. این تفاوت در بنابراین ادعای «ذهنی سازی والدین پیش‌بین قوی‌تری برای تفکر کودک است تا زبان» را می‌توان با احتیاط لازم و با ارجاع به این ناهمگونی مطرح کرد.

جدول ۵: توزیع مقالات منتشر شده بر اساس تاثیر ذهنی سازی والدین بر متغیرها

متغیرها	نتیجه گزارش شده	تعداد مقالات
تفکر کودک	مثبت و قوی (رابطه معنادار و مستقیم)	۵
	مثبت اما اندازه اثر کوچک تا متوسط	۳
	مثبت اما غیرمستقیم/میانجی‌گری شده یا حاشیه‌ای	۳
	بدون رابطه معنادار / خنثی	۰
زبان کودک	مثبت و قوی (رابطه معنادار و مستقیم)	۴
	مثبت اما با احتیاط (سازه متفاوت یا ناهمگون در مرور)	۲
	بدون رابطه معنادار / خنثی	۳

جدول ۶ کاربردهای عملی و راهکارهای مداخله‌ای مطرح شده در ۲۰ مقاله را در هفت دسته گروه‌بندی می‌کند. بیشترین تعداد مقالات (۴ مورد) به دو راهکار اختصاص دارد: «استفاده از کتاب‌خوانی مشترک و گفتگوی روزمره» و «تعدیل محتوای مداخله بر اساس زمینه فرهنگی و جمعیت شناختی». پس از آن، دو راهکار دیگر هر کدام با ۳ مقاله گزارش شده‌اند: «تقویت ذهنی سازی از مسیر دلبستگی و عملکرد بازتابی والدین»،

¹ Longobardi et al

«ضرورت طراحی مطالعات مداخله‌ای آزمایشی» و در نهایت سه راهکار «شروع مداخله از دوره شیرخوارگی»، «اولویت‌بندی جمعیت‌های پرخطر» و «مشارکت دادن هر دو والد» هر کدام با ۲ مقاله کمترین سهم را دارند.

جدول ۶: توزیع مقالات منتشر شده بر اساس راهکارهای عملی

راهکار	تعداد مقالات	درصد از کل
شروع مداخله از دوره شیرخوارگی (پیش از بروز مشکل)	۲	۱۰٪
استفاده از کتاب‌خوانی مشترک و گفتگوی روزمره به عنوان بستر کم‌هزینه مداخله	۴	۲۰٪
مشارکت دادن هر دو والد (نه فقط مادر) در برنامه‌های مداخله‌ای	۲	۱۰٪
اولویت‌بندی جمعیت‌های پرخطر زیستی/بالینی (نوزاد نارس، کم‌شنوایی)	۲	۱۰٪
تعدیل محتوا و شیوه اجرای مداخله بر اساس زمینه فرهنگی و جمعیت‌شناختی (تحصیلات، قومیت، بافت زبانی)	۴	۲۰٪
تقویت ذهنی‌سازی از مسیر غیرمستقیم دلبستگی و عملکرد بازتابی والدین	۳	۱۵٪
ضرورت طراحی مطالعات مداخله‌ای/آزمایشی برای اثبات رابطه علی	۳	۱۵٪

بحث و نتیجه‌گیری

مرور نظام‌مند مطالعات انجام‌شده نشان داد که ذهنی‌سازی والدین یکی از مهم‌ترین سازه‌های رابطه‌ای مؤثر بر رشد شناختی و زبانی کودکان در سال‌های نخست زندگی است. مجموعه شواهد موجود حاکی از آن است که والدینی که از ظرفیت بالاتری در درک، تفسیر و بازتاب حالات ذهنی کودک برخوردارند، زمینه تعاملات غنی‌تر، پاسخ‌دهی حساس‌تر و گفت‌وگوهای معنادارتری را فراهم می‌کنند؛ تعاملاتی که بستر رشد واژگان، درک زبان، تفکر نمادین، کارکردهای اجرایی، نظریه ذهن و سایر توانایی‌های شناختی کودک را تقویت می‌کنند. در مقابل، کاهش ظرفیت ذهنی‌سازی والدین می‌تواند کیفیت تعاملات والد-کودک را تضعیف کرده و به‌صورت غیرمستقیم بر مسیر تحول شناختی و زبانی کودک اثر منفی بگذارد.

با وجود همگرایی نسبی یافته‌ها در تأیید نقش مثبت ذهنی‌سازی والدین، مرور مطالعات نشان داد که این رابطه ساده و خطی نیست و تحت تأثیر عوامل متعددی از جمله کیفیت دلبستگی، سلامت روان والدین، وضعیت اجتماعی-اقتصادی خانواده، سطح تحصیلات، ویژگی‌های خلقی کودک، بستر فرهنگی و نوع ابزارهای سنجش قرار می‌گیرد. همچنین، بخش قابل توجهی از پژوهش‌های موجود بر یکی از ابعاد ذهنی‌سازی، نظیر کارکرد بازتابی، ذهن‌مندی یا بیش‌مندی، متمرکز بوده‌اند و کمتر مطالعه‌ای این ابعاد را به‌صورت یکپارچه در ارتباط هم‌زمان با رشد تفکر و زبان بررسی کرده است. این موضوع بیانگر آن است که هنوز درباره سازوکارهای دقیق اثرگذاری ذهنی‌سازی والدین بر فرایندهای شناختی و زبانی کودکان اجماع نظری و تجربی کاملی وجود ندارد.

یکی از مهم‌ترین دلالت‌های حاصل از این مرور نظام‌مند آن است که ذهنی‌سازی والدین را نباید صرفاً یک ویژگی فردی یا مهارت ارتباطی تلقی کرد، بلکه باید آن را به منزله یکی از عوامل پیشگیرانه در مسیر تحول کودک در نظر گرفت. شواهد مرور شده نشان می‌دهد که ظرفیت والد برای درک جهان ذهنی کودک، پیش از آنکه در قالب پیامدهای تحصیلی یا زبانی آشکار شود، کیفیت تعاملات روزمره، امنیت هیجانی، تنظیم هیجان و مشارکت کودک در ارتباطات اجتماعی را شکل می‌دهد. به همین دلیل، ارتقای ذهنی‌سازی والدین می‌تواند از همان سال‌های نخست زندگی،

بسیاری از مشکلات شناختی، زبانی و حتی هیجانی را پیش از تثبیت کاهش دهد. این یافته اهمیت سرمایه‌گذاری بر آموزش والدین در سال‌های اولیه زندگی کودک را بیش از پیش آشکار می‌کند.

مرور پژوهش‌ها همچنین نشان داد که مطالعه ذهنی‌سازی والدین دیگر محدود به روان‌شناسی رشد نیست، بلکه به حوزه‌هایی همچون علوم اعصاب، آسیب‌شناسی گفتار و زبان، آموزش پیش‌دستانی، روان‌پزشکی کودک و حتی سیاست‌گذاری سلامت خانواده نیز گسترش یافته است. این گسترش میان‌رشته‌ای نشان می‌دهد که ذهنی‌سازی والدین به تدریج از یک مفهوم صرفاً نظری به یک شاخص مهم در طراحی برنامه‌های آموزشی، غربالگری رشدی و مداخلات مبتنی بر خانواده تبدیل شده است. چنین روندی بیانگر ظرفیت بالای این سازه برای ایجاد پیوند میان پژوهش‌های بنیادی و کاربردهای عملی در حوزه رشد کودک است.

یکی از نکات برجسته مطالعات مرور شده، نقش تعیین‌کننده دوره صفر تا هشت سال به عنوان دوره طلایی انعطاف‌پذیری عصبی و شناختی است. در این دوره، مغز کودک بیشترین ظرفیت را برای یادگیری زبان، شکل‌گیری بازنمایی‌های ذهنی و توسعه کارکردهای اجرایی دارد؛ از این رو کیفیت تعاملات والد-کودک در این سال‌ها می‌تواند آثار ماندگاری بر مسیر رشد کودک بر جای بگذارد. این موضوع نشان می‌دهد که ذهنی‌سازی والدین صرفاً بر پیامدهای کوتاه‌مدت اثر نمی‌گذارد، بلکه می‌تواند زیربنای بسیاری از توانایی‌های شناختی و ارتباطی در سال‌های بعدی زندگی را نیز شکل دهد.

از سوی دیگر، بررسی مطالعات نشان می‌دهد که پژوهش‌های این حوزه عمدتاً در قالب طرح‌های مقطعی انجام شده‌اند و مطالعات طولی، مداخله‌ای و بین‌فرهنگی همچنان محدود هستند. علاوه بر این، کمبود پژوهش‌هایی که نقش متغیرهای میانجی و تعدیل‌گر را در تبیین این رابطه بررسی کنند، یکی از مهم‌ترین خلأهای ادبیات پژوهش محسوب می‌شود. از این رو، انجام مطالعات طولی، بهره‌گیری از ابزارهای استاندارد و چندبعدی سنجش ذهنی‌سازی، بررسی نقش هم‌زمان پدر و مادر، و طراحی مداخلات آموزشی مبتنی بر ارتقای ظرفیت ذهنی‌سازی والدین می‌تواند در توسعه دانش این حوزه و افزایش اعتبار یافته‌ها نقش مؤثری ایفا کند.

نکته قابل توجه دیگر آن است که اگرچه تقریباً همه مطالعات رابطه مثبت ذهنی‌سازی والدین با توسعه تفکر را گزارش کرده‌اند، اما شواهد مربوط به رشد زبان، کارکردهای اجرایی و استدلال شناختی هنوز به گستردگی حوزه تفکر نیست. به بیان دیگر، ادبیات پژوهشی در زمینه توسعه تفکر از انسجام و شواهد تجربی بیشتری برخوردار است، این عدم توازن نشان می‌دهد که مطالعات آینده باید بیش از گذشته بر ابعاد شناختی فراتر از تفکر تمرکز کنند.

در مجموع، شواهد این مرور نظام‌مند نشان می‌دهد که ذهنی‌سازی والدین را می‌توان یکی از عوامل بنیادین و قابل مداخله در ارتقای رشد تفکر و زبان کودکان صفر تا هشت سال دانست. از این رو، توجه به این سازه در برنامه‌های آموزش والدگری، خدمات مشاوره خانواده، مداخلات روان‌شناختی و سیاست‌های حوزه رشد کودک می‌تواند زمینه ارتقای تعاملات والد-کودک و در نهایت بهبود پیامدهای شناختی، زبانی و تحولی کودکان را فراهم آورد. همچنین، یافته‌های این پژوهش با گردآوری و یکپارچه‌سازی شواهد موجود، تصویری منسجم از وضعیت دانش در این حوزه ارائه کرده و می‌تواند مبنایی برای طراحی پژوهش‌های آینده و تدوین برنامه‌های مبتنی بر شواهد در حوزه تحول سال‌های اولیه کودکی باشد.

منابع

- امین یزدی، سید امیر؛ کارشکی، حسین؛ و طوفانی اصل، سعیده. (۱۴۰۴). مرور نظام‌مند عوامل موثر بر جامعه‌پذیری کودکان پیش دبستانی ۳ تا ۶ ساله. *پژوهش‌های روانشناسی اجتماعی*، ۱۵ (۵۹): ۷۰-۴۹.
- ویسانی، مختار؛ نجاری، مسعود؛ و احمدپور، روزینا. (۱۴۰۴). تعیین اثربخشی برنامه آموزش گروهی شایستگی اجتماعی بر دلبستگی ناایمن و مهارت‌های اجتماعی کودکان بی‌سرپرست، *پژوهش‌های روانشناسی اجتماعی*، ۱۵ (۵۸): ۸۷-۱۰۰.
- Aldrich, N. J., Chen, J., & Alfieri, L. (2021). Evaluating associations between parental mind-mindedness and children's developmental capacities through meta-analysis. *Developmental Review*, 60, 100946.
- Bernier, A., McMahon, C. A., & Perrier, R. (2017). Maternal mind-mindedness and children's school readiness: A longitudinal study of developmental processes. *Developmental psychology*, 53(2), 210.
- Camoirano, A. (2017). Mentalizing makes parenting work: A review about parental reflective functioning and clinical interventions to improve it. *Frontiers in psychology*, 8, 244245.
- Chan, M. H. M., Wang, Z., Devine, R. T., & Hughes, C. (2020). Parental mental-state talk and false belief understanding in Hong Kong children. *Cognitive Development*, 55, 100926.
- Colonesi, C., Zeegers, M. A., Majdandžić, M., van Steensel, F. J., & Bögels, S. M. (2019). Fathers' and mothers' early mind-mindedness predicts social competence and behavior problems in childhood. *Journal of Abnormal Child Psychology*, 47(9), 1421-1435.
- Costantini, A., Coppola, G., Fasolo, M., & Cassibba, R. (2017). Preterm birth enhances the contribution of mothers' mind-mindedness to infants' expressive language development: A longitudinal investigation. *Infant Behavior and Development*, 49, 322-329.
- Devine, R. T., & Hughes, C. (2018). Family correlates of false belief understanding in early childhood: A meta-analysis. *Child development*, 89(3), 971-987.
- England-Mason, G., Atkinson, A. K. L., & Gonzalez, A. (2023). Emotion socialization parenting interventions targeting emotional competence in young children: A systematic review and meta-analysis of randomized controlled trials. *Clin Psychol Rev*. 100
- Ensink, K., Bégin, M., Normandin, L., & Fonagy, P. (2016). Maternal and child reflective functioning in the context of child sexual abuse: Pathways to depression and externalising difficulties. *European journal of psychotraumatology*, 7(1), 30611.
- Hall, K. K., Shoemaker-Hunt, S., Hoffman, L., Richard, S., Gall, E. M., Schoyer, E., ... Lim, A. (2020). Making healthcare safer III: A critical analysis of existing and emerging patient safety practices. Agency for Healthcare Research and Quality. <https://www.ncbi.nlm.nih.gov/books/NBK555526/>
- Handrianto, C. (2023). Role of parents on children's prosocial behavior at the public playground. *International Journal of Instruction*, 16(3), 421-44
- Hughes, C., Aldercotte, A., & Foley, S. (2017). Maternal mind-mindedness provides a buffer for pre-adolescents at risk for disruptive behavior. *Journal of abnormal child psychology*, 45(2), 225-235.
- Komanchuk, J., Dewey, D., Giesbrecht, G. F., Hart, M., Anis, L., Ntanda, H., ... & Letourneau, N. (2022). Association between maternal reflective function and preschool children's cognitive abilities. *Frontiers in Psychology*, 13, 995426.
- Liberati, A., Altman, D. G., Tetzlaff, J., Mulrow, C., Gøtzsche, P. C., Ioannidis, J. P., Clarke, M., Devereaux, P. J., Kleijnen, J., & Moher, D. (2009). The PRISMA statement for reporting systematic reviews and meta-analyses of studies that evaluate healthcare interventions: explanation and elaboration. *BMJ (Clinical research ed.)*, 339, b2700.
- Liu, H., Wu, F., Li, S., & Zhang, H. (2024). Mothers' mental state talk and 3-to 5-year-old children's theory of mind: Their reciprocal dynamic Impact. *Behavioral Sciences*, 14(7), 568.
- Longobardi, E., Spataro, P., & Calabro, M. (2022). Maternal mind-mindedness and communicative functions in free-play and mealtime contexts: Stability, continuity and relations with child language at 16 months. *Journal of Child Language*, 49(4), 635-660.
- Longobardi, E., Spataro, P., & Colonesi, C. (2018). Maternal communicative functions and mind-mindedness at 16 months as predictors of children's internal and non-internal language at 20 months. *Infant behavior and development*, 50, 52-63.

- Luyten, P., Nijssens, L., Fonagy, P., & Mayes, L. C. (2017). Parental reflective functioning: Theory, research, and clinical applications. *The Psychoanalytic Study of the Child*, 70(1), 174-199.
- McMahon, C. A., & Bernier, A. (2017). Twenty years of research on parental mind-mindedness: Empirical findings, theoretical and methodological challenges, and new directions. *Developmental Review*, 46, 54-80.
- Medrea, F. L., & Benga, O. (2021). Parental mentalization: A critical literature review of mind-mindedness, parental insightfulness and parental reflective functioning. *Cognition, Brain, Behavior*, 25(1), 69-105.
- Nyberg, S., Rudner, M., Mattila, P., & Heimann, M. (2021). No evidence of an association between parental mind-mindedness at 9 months and language development at either 9 or 25 months in Swedish infants. *First Language*, 41(6), 760-778.
- Page, M. J., McKenzie, J. E., Bossuyt, P. M., Boutron, I., Hoffmann, T. C., Mulrow, C. D., Shamseer, L., Tetzlaff, J. M., Akl, E. A., Brennan, S. E., Chou, R., Glanville, J., Grimshaw, J. M., Hróbjartsson, A., Lalu, M. M., Li, T., Loder, E. W., Mayo-Wilson, E., McDonald, S., McGuinness, L. A., ... Moher, D. (2021). The PRISMA 2020 statement: An updated guideline for reporting systematic reviews. *International journal of surgery (London, England)*, 88, 105906.
- Pluta, A., Krysztofiak, M., Zgoda, M., Wysocka, J., Golec, K., Gajos, K., ... & Haman, M. (2023). Theory of mind and parental mental-state talk in children with CIs. *The Journal of Deaf Studies and Deaf Education*, 28(3), 288-299.
- Sehlstedt, I., Hansson, I., & Hjelmquist, E. (2024). The longitudinal relations between mental state talk and theory of mind. *BMC psychology*, 12(1), 191.
- Shai, D., Laor Black, A., Spencer, R., Slead, M., Baradon, T., Nolte, T., & Fonagy, P. (2022). Trust me! Parental embodied mentalizing predicts infant cognitive and language development in longitudinal follow-up. *Frontiers in psychology*, 13, 867134.
- Sharp, C., & Fonagy, P. (2008). The parent's capacity to treat the child as a psychological agent: Constructs, measures and implications for developmental psychopathology. *Social development*, 17(3), 737-754.
- Slade, A. (2005). Parental reflective functioning: An introduction. *Attachment & human development*, 7(3), 269-281.
- Stuhrmann, L. Y., Göbel, A., Bindt, C., & Mudra, S. (2022). Parental reflective functioning and its association with parenting behaviors in infancy and early childhood: A systematic review. *Frontiers in psychology*, 13, 765312.
- Svane, R. P., Væver, M. S., Højen, A., Bleses, D., & Pedersen, I. E. (2025). How Does Representational Mind-Mindedness Translate Into Observable Parenting Behaviors Among Parents of Six-Year-Olds?. *Scandinavian Journal of Psychology*, 66(2), 231-240.
- Taraban, L., Feldman, J. S., Morris-Perez, P. A., Mendelsohn, A. L., & Shaw, D. S. (2025). Mindful mamas: Black and Latina mothers' mindful parenting predicts toddlers' later social-emotional and cognitive functioning. *Development and Psychopathology*, 1-15.
- Tompkins, V., Benigno, J. P., Kiger Lee, B., & Wright, B. M. (2018). The relation between parents' mental state talk and children's social understanding: A meta-analysis. *Social Development*, 27(2), 223-246.
- Zeegers, M. A., Colonnesi, C., Stams, G. J. J., & Meins, E. (2017). Mind matters: A meta-analysis on parental mentalization and sensitivity as predictors of infant-parent attachment. *Psychological bulletin*, 143(12), 1245.